

پایش پوشش گیاهی مراتع نیمه‌استپی استان اردبیل (مطالعه موردی: مراتع آق‌داغ منطقه خلخال)

جابر شریفی^{۱*}، امرعلی شاهمرادی^۲، الله‌ویردی نوری^۳ و دولت محمدی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۴/۲۷ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۴/۰۳/۳۰

چکیده

مراتع به لحاظ تأمین علوفه مورد استفاده دام، حفاظت آب، خاک و خدمات دیگری که به جامعه می‌دهند، از منابع طبیعی کم‌هزینه و پراهمیت می‌باشد، که شناخت دوره‌ای از وضعیت این اراضی و مدیریت اصولی آن ضروری می‌سازد. بر همین اساس پایش پوشش مرتع بیلاقی آق‌داغ خلخال در استان اردبیل از سال ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۱ انجام شد. در ابتدا با استفاده از منابع در دسترس، رویشگاه‌های عمده منطقه تعیین و بعد در هر رویشگاه یک منطقه معرف برای آماربرداری انتخاب شد. سپس در هر منطقه معرف عوامل مربوط به پوشش تاجی، تراکم و فراوانی و در طول ۳ ترانسکت ۵۰۰ متری در ۳۰ پلات (۱/۵ × ۱/۵ متری) و همچنین رطوبت و کربن آلی سطح خاک اندازه‌گیری شد. نتایج نشان داد که در یک دوره چهار ساله، متناسب با تغییرات بارندگی و دمای محیط، تحت شرایط مدیریت بومی اعمال شده، گندمیان دایمی نقش اصلی در روند تغییرات پوشش گیاهی داشتند. به‌طوری که تغییرات در گندمیان چندساله از جمله *Bromus tomentellus*، *Agropyron cristatum* (L.) Gaertn. و *Festuca ovina* L. Boiss. و *Koeleria caucasica* Trin. Ex Domin. معنی‌دار بوده ولی در پوشش بوته‌ای‌ها بطئی و غیرمعنی‌دار بوده است. تغییرات کربن آلی خاک روندی کند و بطئی داشته است. تغییرات پوشش خاک با توجه به ثبات نسبی پوشش سنگ و سنگریزه و لاشبرگ، تابع تغییرات پوشش تاجی کل بوده است. نتایج حاصل از بررسی، روند تغییرات سال به سال در پوشش گیاهی، تغییرات سال به سال اقلیمی و رطوبت خاک و نیز چگونگی وضعیت فرسایش خاک می‌تواند به‌عنوان راهنمای مناسبی برای تصحیح روش‌های فعلی مدیریت این اکوسیستم‌های مرتعی مورد استفاده قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: پویایی پوشش گیاهی، روند تغییرات، وضعیت مرتع، تاج پوشش، خلخال، اردبیل.

^۱ - عضو هیات علمی بخش تحقیقات جنگل و مرتع - مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی استان اردبیل - سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی - ایران

* نویسنده مسئول: Sharifnia.j@gmail.com

^۲ - عضو هیات علمی بخش تحقیقات مرتع موسسه تحقیقات جنگلها و مراتع کشور - سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی - ایران

^۳ - کارشناس پژوهشی مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی استان اردبیل - سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی - ایران

مقدمه

ماهیت تغییرپذیری پوشش گیاهی تحت تأثیر عوامل مختلف طبیعی از جمله رویدادهای اقلیمی بوده و ثبات و پایداری آن نیز نتیجه کنش متقابل عوامل طبیعی است، لیکن عوامل انسانی و بالاخص مدیریت مرتع نقش تأثیرگذاری در حفظ ثبات و یا تخریب آن ایفا می‌نماید، چرای زود هنگام، چرای مفرط و تبدیل اراضی مرتع از جمله عواملی هستند که باعث می‌شود که گیاهان ارجح (گیاهان شاخص مغذی و خوشخوراک) فرصت لازم برای جذب مواد غذایی و تجدید حیات پیدا نکنند، این مسئله در طی زمان باعث کاهش کیفیت و کمیت گیاهان ارجح و افزایش گیاهان مهاجم و فرصت طلب گردد، در این خصوص پایش مراتع یکی از اساسی‌ترین اقدامات در جهت شناخت وضعیت مراتع و اثر مدیریت بر روی آن است. مرتع اکوسیستم پویا است و در پی ایجاد آشفته‌گی‌های محیطی دچار تغییر و تحول می‌شود، از این رو بهره‌برداری پایدار از مرتع تنها زمانی امکان‌پذیر می‌باشد که این تغییر و تحولات شناخته شود (۵). در بررسی اثرات تغییر اقلیم بر پویایی توأمان آب و پوشش گیاهی در سرزمین‌های خشک بریتا و همکاران^۱ (۲۰۱۰) به این نتیجه رسیدند که دو فاکتور اصلی کنترل‌کننده عکس‌العمل گیاهان به تغییر اقلیم عبارتند از تغییر در میزان آب قابل دسترس و تغییر در تخصیص آب به یک نوع گیاه خاص، به‌طوری که با تغییر الگوی بارش، افزایش دما و بالا رفتن میزان دی‌اکسیدکربن و کاهش رقابت گندمیان، شرایط به نفع افزایش شکل‌های رویشی تغییر نموده است (۶). همچنین در این خصوص با ارایه مدلی از روابط خاک و پوشش گیاهی در مناطق خشک و نیمه‌خشک، نشان دادند که تغییرات پوشش گیاهی در این‌ها در نتیجه ارتباطات پیچیده بین عناصر خاک و اقلیم و تغییر در رطوبت خاک شکل می‌گیرد (۱۵). شریفی و همکاران (۲۰۰۸) تأثیر قرق در وضعیت و گرایش مراتع طبیعی استان اردبیل را در طی یک دوره ۱۰ ساله بررسی نمودند، نتایج تحقیقات آنها نشان داد که گونه‌های بوته‌ای با نوسانات بارندگی فصلی رابطه معنی‌داری نداشتند ولی با بارندگی سالانه رابطه مستقیم و معنی‌داری داشتند. گونه‌های گندمیان چند ساله در کل تحت تأثیر بارندگی

سالانه بوده است، با اعمال قرق، درصدگونه‌های کلاس I مانند *Agropyron pectiniforme*، *Festuca ovina* افزایش *Poa trivialis*، *Agropyron trichophorum* داشتند ولی گونه‌های کلاس II و III مانند *Poa bulbosa*، *Boisiera squarrosa*، *Aegilops cylindrica* و *Bromus tectorum* حدود ۶ درصد کاهش داشتند. همچنین در اثر اعمال قرق گونه *Astragalus brachyodontus* در قرق ارشق و گونه *Astragalus lilacinus* در قرق صائین کاملاً احیاء شده است (۱۷).

در بررسی اثر چرای دام بر همزیستی بین میکوریزا و گیاهان مرتعی، نتایج نشان داده که تاج پوشش بوته‌های مرتعی در سایت چرای شدید اثری بر میزان آلودگی و تعداد اسپور نداشتند، در حالی که در سایت قرق بوته‌های مرتعی سبب کاهش معنی‌دار آلودگی به میزان ۲۴ درصد و افزایش معنی‌دار تعداد اسپور به میزان ۲۵ درصد شدند، چرای شدید دام اثر منفی بر میزان همزیستی دارد (۱۱). همچنین در تحقیق دیگری قرق باعث تغییر ترکیب پوشش گیاهی در بیشتر مکان‌های مرتعی گردید. محافظت چرا باعث افزایش تشابه تیپ‌های گیاهی داخل قرق‌ها گردید، این مطالعه همگرایی جوامع گیاهی در طول توالی ثانویه در شرایط قرق را تأیید می‌کند (۷). اکبرزاده و همکاران (۲۰۰۷) تغییرات پوشش گیاهی در قرق کوهرنگ در استان چهارمحال و بختیاری را بررسی نمودند، نتایج تحقیقات آنها نشان داد که کل پوشش تاجی گونه‌ها در داخل قرق به‌طور معنی‌دار زیاده‌تر از بیرون قرق بود، پوشش گندمیان و پهن‌برگان علفی در داخل قرق بیشتر، ولی پوشش بوته‌ای‌ها با بیرون قرق تفاوت معنی‌داری نداشت (۱). شریفی و اکبرزاده (۲۰۱۳) در بررسی تغییرات پوشش گیاهی تحت تأثیر تغییرات بارندگی در مراتع نیمه‌استپی استان اردبیل به این نتیجه رسیدند که تغییرات تاج پوشش گونه‌های بوته‌ای‌ها نسبت به بارندگی فصلی (پائیز و زمستان) همبستگی مثبتی داشتند ولی در کل کمتر تحت تأثیر بارندگی بهاره بودند. گونه‌های گندمیان چند ساله نسبت به نوسانات بارندگی واکنش متفاوتی داشتند و بیشتر به بارندگی فصلی بهاره واکنش مثبت نشان می‌دهند (۱۸). در تحقیق دیگری مطالعه پویایی مراتع خراسان رضوی نتایج نشان داد که در

¹ -Britta

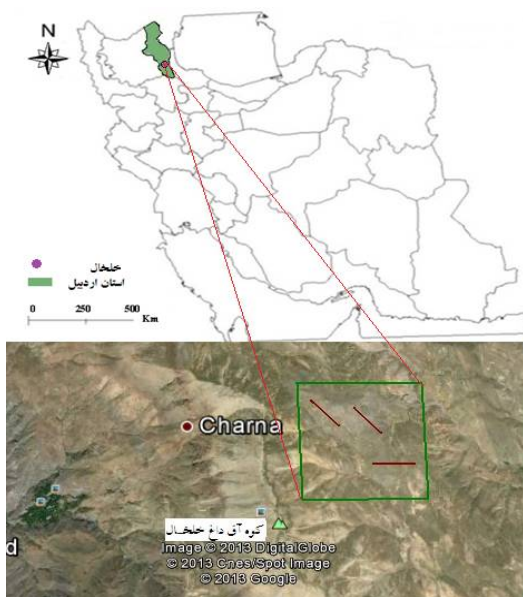
یک دوره چهار ساله، بسته به تغییرات میزان بارش و سایر پارامترهای آب و هوایی و تحت شیوه‌های مدیریت محلی، تغییرات در این مراتع به‌طور عمده در گیاهان یکساله، تاج پوشش فورب چند ساله و تا حدی بوته‌ای‌ها بود (۱۰). برهانی و همکاران (۲۰۱۰) در بررسی روند تغییرات وضعیت مراتع استپی استان اصفهان در یک دوره هشت ساله نشان دادند که تفاوت بین سایتهای مورد مطالعه از لحاظ عامل- های خاک، تاج پوشش گیاهی، ترکیب، بنیه و شادابی و بارندگی در سطح احتمال یک درصد معنی‌دار بوده است. همچنین همبستگی بین بارش سالانه و امتیاز وضعیت مرتع، معنی‌دار بوده است که این همبستگی در مورد تفاوت وضعیت سال‌های مختلف در یک سایت متفاوت بوده به نحوی که در دو عامل بنیه و شادابی و درصد پوشش، معنی- دار و در دو عامل خاک و ترکیب گیاهی معنی‌دار نبوده است (۴). ابراهیمی و همکاران (۲۰۱۴) در بررسی تأثیر قرق بر شاخصهای اکولوژیکی سلامت مرتع چنین نتیجه گرفتند که، هر چند شاخص‌های پایداری (۵۴/۸۷)، نفوذپذیری (۲۹) و چرخه عناصر غذایی (۱۷/۴۰) در قرق بیشتر از شاهد بود، ولی تفاوت معنی‌داری بین دو منطقه مشاهده نشد (۸). بررسی روابط بین عوامل محیطی و جوامع گیاهی در مراتع قرق (مطالعه موردی: گنبد همدان) توسط اسدیان و همکاران (۲۰۱۷)، نتایج نشان داده که در قرق بلندمدت، جوامع گیاهی به سوی یک ترکیب یکنواخت و همگن میل کرده و وضعیت پوشش گیاهی بهتر شده است. بنابراین تراکم، ترکیب و گونه‌های گیاهی کلاس I افزایش یافته است (۲). همچنین در بررسی پایش پوشش گیاهی مراتع نیمه‌استپی در شمال شرق ایران (منطقه خراسان)، نتایج تحقیقات نشان داد که پوشش عاملی است که مستقیماً تحت تأثیر تغییرات بارش قرار می‌گیرد، و این تأثیر در همه موارد فوری نیست و از نظر زمانی بعد از تولید قرار دارد، رفتار فرم‌های مختلف گیاهان نیز در مقابل تغییرات بارش از عوامل دیگر عدم تبعیت قطعی سطح تاج پوشش از بارش است، بنابراین تغییرات پوشش بوته‌ای‌ها نسبت به سایر فرمها در سایت‌ها به‌مراتب کمتر است (۲۱). طی مطالعاتی در شمال آفریقا، لهورو و بولسو^۱ (۱۹۹۱) نشان دادند که

چرای بیش از حد و کنترل نشده باعث حذف یا کاهش شدید تراکم بسیاری از گونه‌های مرتعی مرغوب و خوشخوراک و جایگزینی آن به‌وسیله گونه‌های نامطلوب و سمی شده است (۱۳). همچنین لهورو^۲ (۱۹۸۱) در یک تحقیق دیگری تأکید نمود که فشار چرای دام علاوه بر تحت تأثیر قرار دادن تنوع گیاهی، باعث بروز تغییرات شدید فیزیکی در مرتع و تشدید فرسایش خاک می‌گردد که این به نوبه خود شرایط را برای رویش گیاهان مرغوب از بین می‌برد (۱۲). والون و همکاران^۳ (۲۰۰۲) تاخیر در توالی پوشش گیاهی مراتع در مناطق خشک و نیمه‌خشک را گزارش کرده‌اند. آنها بیان می‌کنند که ترکیبی از قرق، حیوانات چراکننده و فرایندهای اقلیمی نادر مانند ترسالی می‌توانند نرخ توالی را بعد از یک دوره تأخیر به‌شدت افزایش دهند، تغییر در ترکیب و فراوانی گونه‌های گیاهی داخل قرق‌ها در بعد زمان و مکان به عنوان مسیرهای توالی تعریف می‌شوند (۲۰). یکی از اهداف مدیریت مرتع، افزایش پوشش گیاهی به منظور پیش‌گیری از فرسایش می‌باشد، بنا براین بررسی پویایی پوشش گیاهی از طریق پایش لکه‌های گیاهی می‌تواند به عنوان شاخص سریع و کم هزینه، نشان دهنده میزان دسترسی به این اهداف باشد (۹). ابطی و همکاران (۲۰۱۴) پویایی پوشش گیاهی و وضعیت مرتع در کویر مرکزی ایران (هفتومان خور و بیابانک) را مطالعه نمودند، نتایج تحقیقات آنها نشان داده که به‌خاطر حاکمیت شرایط بیابانی، میزان پوشش گیاهی و تغییرات آن متأثر از تغییرات بارش است (۳). در تحقیق دیگری در همین رابطه، موزاییک تغییر در مراتع نیمه‌استپی که توسط اثر متقابل دخالت‌های مختلط انسان ایجاد می‌شود، به این نتیجه رسیدند که اثر آتش‌سوزی و چرای شدید موجب تغییر در ترکیب گیاهی و پویایی جامعه گیاهی در مراتع نیمه‌استپی می‌شود. هر دو عوامل باعث یک روند دوره‌ای جانشینی پوشش گیاهی است (۱۹). با توجه به نتایج تحقیقات تغییرپذیری پوشش گیاهی، خاک و سایر عناصر اکوسیستم‌های مرتعی در طی زمان اجتناب‌ناپذیر است. اما شناخت تأثیرات دخالت‌های مدیریتی در وضعیت مرتع می‌تواند در تصمیمات آینده مدیریت و برنامه‌ریزی موثر واقع شود. شناخت دوره‌ای از

³ - Valone

¹ - Le Houerou & Boulos

² - Le Houerou



شکل ۲: موقعیت محل مورد مطالعه (مرتع بیلاقی قزل درق) نسبت به خلخال، استان اردبیل و ایران

روش تحقیق

ابتدا با استفاده از نقشه‌های توپوگرافی، تصاویر ماهواره‌ای و نیز انجام بازدیدهای صحرایی، محدوده سایت مطالعاتی مشخص شد. سپس با روش سیستماتیک-تصادفی با استقرار سه ترانسکت ۵۰۰ متری و در هر ترانسکت ۱۰ کوادرات جمع‌آوری داده‌ها اقدام گردید. طول ترانسکت و اندازه کوادرات‌ها با توجه به قطر تاج بوته‌ها و فاصله بین پایه‌های بوته‌های گیاهی، طول ترانسکت ۵۰۰ متر و ابعاد کوادرات‌ها ۱۵۰×۱۵۰ سانتیمتر بوده است (۱۶). در مجموع با به‌کارگیری ۳۰ پلات نمونه اندازه‌گیری به‌عمل آمد. متغیرهای اصلی مورد بررسی در پوشش گیاهی، شامل: میزان پوشش تاجی گونه‌های شاخص، پوشش تاجی کل، پوشش تاجی گیاهان بوته‌ای‌ها، فورب‌های چندساله، گندمیان چندساله و گونه‌های یکساله بوده است همچنین میزان رطوبت خاک موجود در ناحیه ریشه در دو عمق (۱۵- و ۰- ۱۵-۳۰ سانتیمتر) با استفاده از دستگاه TDR، اندازه‌گیری شد. با نمونه‌برداری از عمق ۱۰ سانتی‌متری خاک سطحی و تجزیه آزمایشگاهی آن به‌روش اکسیداسیون مرطوب، میزان کربن آلی در هر سال تعیین شد، در نهایت

وضعیت مراتع که به تواند به برنامه‌ریزی و مدیریت صحیح مراتع کمک نماید از اهداف این تحقیق می‌باشد.

مواد و روش‌ها

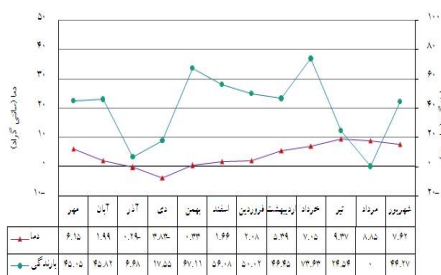
معرفی منطقه مورد مطالعه:

این سایت در بخش جنوبی استان اردبیل در دامنه شرقی کوه آق‌داغ، بین مختصات جغرافیایی $38^{\circ} 32' 40''$ تا $38^{\circ} 34' 00''$ طول شرقی و $37^{\circ} 28' 00''$ تا $37^{\circ} 26' 50''$ عرض شمالی در ارتفاع ۲۵۰۰ تا ۲۶۰۰ متر از سطح دریای آزاد به نام بیلاق قزل درق واقع گردیده است (شکل ۲). اقلیم منطقه نیمه‌استپی فرا سرد و میانگین بارندگی سالانه ۴۵۰ میلی‌متر است. تیپ غالب گیاهی مرتعی در این سایت بصورت: *Onobrychis cornuta*-*Thymus kotschyanus* - *Festuca ovina* می‌باشد (شکل ۱). این رویشگاه جزو مراتع بیلاقی است و تحت عنوان بیلاق قزل بلاغ نژادهالی منطقه معروف است. مساحت سایت مورد مطالعه حدود ۵۰ هکتار بود، ولی مساحت کل بیلاق حدود ۳۰۰۰۰ هکتار است. دام غالب گوسفند با نژاد مختلط مغانی و کردی و حدود ۱۵ تا ۲۰ درصد نیز بز خلخال بود. بر اساس پروانه چرا، تاریخ ورود دام به مرتع از اواسط خرداد و خروج دام ۱۵ شهریور است. تعدادی پنج اوبا^۱ از عشایر طایفه او- اوغلی با حدود ۷۰۰ واحد دامی و روستاهای همجوار، حدود ۵۰۰ واحد دامی از این مرتع بهره‌برداری می‌کنند.

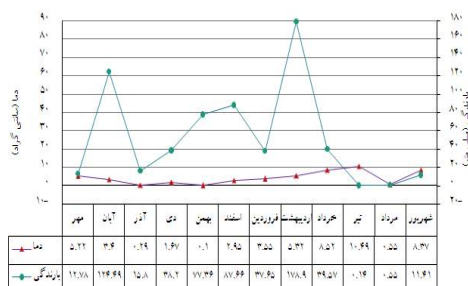


شکل ۱: تصویر کلی وضعیت پوشش گیاهی سایت آق‌داغ خلخال (بیلاق قزل درق) در سال ۱۳۹۰

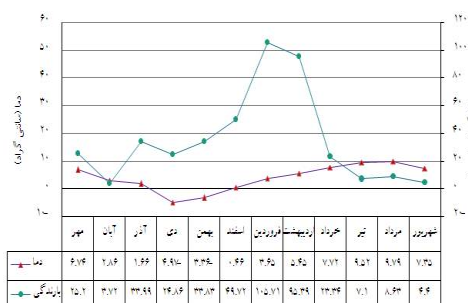
^۱ - اوبا در اصطلاح عشایری به کوچکترین واحد مدیریتی گفته می‌شود.



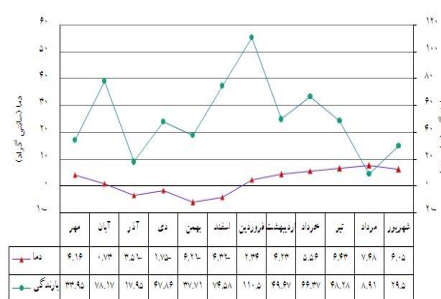
شکل ۳: منحنی آمبروترمیک منطقه آق داغ خلخال در سال رویشی ۸۷-۸۸



شکل ۴: منحنی آمبروترمیک منطقه آق داغ خلخال در سال رویشی ۸۸-۸۹



شکل ۵: منحنی آمبروترمیک منطقه آق داغ خلخال در سال رویشی ۸۹-۹۰



نمودار ۶: منحنی آمبروترمیک منطقه آق داغ خلخال در سال رویشی ۹۰-۹۱

برای آنالیز آماری داده‌های اندازه‌گیری شده از برنامه SAS استفاده شد. مقایسه مستقل میانگین‌های فاکتورهای مورد ارزیابی تحت تاثیر تیمار سال با روش دانکن در سطح ۱ و ۵ درصد انجام گرفت، تفسیر و بحث در مورد نتایج به‌دست آمده از آنالیز داده‌ها با در نظر گرفتن نحوه توزیع بارندگی و درجه حرارت در طول سال (۱۴)، با ترسیم منحنی‌های آمبروترمیک و نیز با توجه به رطوبت و بافت خاک رویشگاه صورت پذیرفت و چگونگی تغییرات سال به سال و نیز تغییرات چند ساله در فاکتورهای اندازه‌گیری شده مشخص گردید.

نتایج

مقادیر بارش سالانه و توزیع ماهیانه آن از ابتدای فصل رویش تا زمان اندازه‌گیری پوشش گیاهی به عنوان بارش تجمعی مؤثر، محاسبه و مد نظر قرار گرفت (جدول ۱).

جدول ۱: بارندگی (برحسب میلی‌متر) در سایت‌های مطالعاتی به تفکیک سال‌های مطالعه

زمان یادداشت برداری	۱۸ خرداد ۸۸	۳ تیر ۸۹	۲۴ خرداد ۹۰	۴ تیر ۹۱
بارش تجمعی فصل بهار	۱۷۰/۱	۲۵۶/۱۲	۲۲۴/۴۴	۲۲۶/۵۴
بارندگی سال رویشی	۴۷۷/۲	۶۲۴/۵۱	۴۱۵/۸۹	۶۰۳/۴۵

به منظور بررسی اثرات توأمان بارندگی و درجه حرارت بر رشد و رویش گیاهان و تغییرات آن، نسبت به ترسیم منحنی‌های آمبروترمیک برای هر یک از سال‌های رویشی (از ابتدای مهرماه تا پایان فصل رویش) شکل ۳، ۴، ۵ و ۶ ارائه شده است. نتایج نشان داد که به تناسب نوسانات بارش در طول دوره انجام این پروژه تحقیقاتی، مقدار بارندگی و پراکنش آن در طول هر یک از سال‌های رویشی و نیز تغییرات دمایی، اثرات قابل ملاحظه‌ای بر پوشش گیاهی داشته است.

خاک و کربن آلی خاک، همچنین مقایسه میانگین داده‌های جمع‌آوری شده برای هر کدام از متغیرهای مورد بررسی در جدول (۲) ارائه گردیده است.

آنالیز واریانس و مقایسه میانگین داده‌های جمع‌آوری شده نتایج حاصل از تجزیه واریانس داده‌های جمع‌آوری شده در سال‌های متوالی به تفکیک گونه‌های شاخص مرتعی، به‌صورت شکل رویشی، پوشش سطح خاک، درصد رطوبت

جدول ۲: نتایج مقایسه میانگین داده‌های مربوط به متغیرهای مورد پایش در سایت مطالعاتی آق داغ

مقایسه میانگین داده‌های پوشش تاجی				Pr>F	متغیرها
۱۳۹۱	۱۳۹۰	۱۳۸۹	۱۳۸۸		
۲۶/۴۸ ^a	۲۱/۹۷ ^a	۲۵/۳۱ ^a	۲۱/۷۷ ^a	۰/۵۴۴ ^{ns}	بوته‌ای ها
۱۰/۳۸ ^b	۱۴/۲۵ ^{ab}	۱۰/۱۸ ^b	۱۵/۶۵ ^a	۰/۰۱۳ [*]	فورب های چندساله
۱۵/۴۸ ^b	۲۰/۸۳ ^a	۱۲/۸۵ ^b	۱۵/۷۱ ^b	۰/۰۰۲ ^{**}	گندمیان چندساله
۲/۹۶ ^a	۰/۹۳ ^c	۲/۲۳ ^{ab}	۲/۰۹ ^b	۰/۰۰۰ ^{**}	گونه های یکساله
۵۵/۹۸ ^a	۵۷/۴۳ ^a	۵۱/۵۸ ^a	۵۴/۹۵ ^a	۰/۴۵۲ ^{ns}	کل گونه ها
۱/۸۲ ^b	۴/۱۰ ^a	۱/۵۰ ^b	۲/۰۳ ^b	۰/۰۱۳ [*]	<i>Agropyron cristatum.</i>
۱/۴۳ ^a	۱/۱۲ ^a	۲/۰۷ ^a	۱/۱۵ ^a	۰/۴۳۹ ^{ns}	<i>Agropyron trichophorum.</i>
۲/۴۰ ^a	۱/۴۵ ^a	۱/۲۰ ^a	۱/۱۹ ^a	۰/۶۲۲ ^{ns}	<i>Astragalus aureus.</i>
۰/۳۳ ^b	۲/۱۲ ^a	۰/۷۸ ^b	۱/۱۸ ^{ab}	۰/۰۱۸ [*]	<i>Bromus tomentellus.</i>
۸/۳۰ ^a	۸/۷۰ ^a	۵/۳۳ ^b	۶/۳۰ ^{ab}	۰/۰۱۸ [*]	<i>Festuca ovina L.</i>
۱/۰۰ ^b	۲/۸۸ ^a	۱/۵۲ ^b	۱/۶۲ ^b	۰/۰۲۸ [*]	<i>Koeleria caucasica.</i>
۱۵/۹۸ ^a	۱۱/۰۲ ^a	۱۶/۷۳ ^a	۱۱/۸۵ ^a	۰/۴۰۵ ^{ns}	<i>Onobrychis cornuta.</i>
۷/۸۳ ^a	۹/۴۷ ^a	۶/۷۷ ^a	۸/۵۴ ^a	۰/۴۳۲ ^{ns}	<i>Thymus kotschyanus.</i>
۴/۰۰ ^a	۴/۱۰ ^a	۵/۰۵ ^a	۵/۹۲ ^a	۰/۵۵۷ ^{ns}	عمق ۱ (۱۵-۰ سانتیمتر)
۴/۹۳ ^b	۶/۸۸ ^a	۵/۶۷ ^{ab}	۷/۰۸ ^a	۰/۰۱۱ [*]	عمق ۲ (۱۵-۳۰ سانتیمتر)
۴/۴۶ ^b	۵/۴۹ ^{ab}	۵/۳۶ ^{ab}	۶/۵۰ ^a	۰/۰۰۶ ^{**}	میانگین
۲/۲۷ ^a	۲/۷۲ ^a	۲/۶۱ ^a	۲/۵۷ ^a	۰/۱۱۲ ^{ns}	کربن آلی خاک (٪)
۶۸/۴۲ ^b	۸۵/۴۰ ^a	۶۳/۸۷ ^b	۸۲/۳۷ ^a	> ۰/۰۰۰ ^{**}	پوشش خاک (٪)

این مجموعه تغییرات معنی‌داری در خلال چهار سال مطالعه نداشته است (جدول ۲)، طی این سال‌ها، بارندگی سالیانه بین ۴۱۶ و ۶۰۳ میلی‌متر و بارندگی در فصل رویش بین ۱۷۰ تا ۲۵۶ میلی‌متر متغیر بوده است. به‌علاوه واکنش گیاهان بوته‌ای به تغییرات بارندگی سالانه کند بوده و با استفاده از ریشه‌های عمیق خود از رطوبت ذخیره شده در عمق خاک نیز در طول سال بهره‌مند می‌شوند.

پوشش فورب‌های چندساله

فورب‌های چندساله که سومین گروه غالب در پوشش گیاهی سایت آق‌داغ خلخال را تشکیل می‌دهند، براساس آنالیز داده‌ها، اختلاف معنی‌داری با سطح ۵ درصد خطا بین سال‌های آماربرداری مشاهده گردید. مقایسه میانگین داده‌ها نشان داد که بیشترین و کمترین مقدار درصد پوشش

پوشش گونه‌های گندمی چند ساله

در این سایت مطالعاتی که به‌صورت یک علف-بوته‌زار است، تغییرات سال به سال مربوط به مقدار پوشش تاجی گندمیان چند ساله در سطح ۱ درصد خطا معنی‌دار شده است. نتایج مقایسه میانگین نشان داد که فقط در سال ۹۰ پوشش تاجی مجموعه یاد شده نسبت به سال‌های ۸۸، ۸۹ و ۹۱ افزایش معنی‌دار داشته است. این درحالی است که در تمام سال‌های مطالعه به‌دلیل بارندگی فراوان در فصل رویش، رطوبت کافی در دسترس گونه‌های گندمی بوده است. علاوه برآن، میزان دمای متوسط فصل رویش در این سال‌ها نزدیک به هم بوده است.

پوشش گونه‌های بوته‌ای

مجموعه بوته‌ای‌ها که بخش قابل ملاحظه‌ای از پوشش گیاهی را تشکیل می‌دهند، نتایج نشان داد که پوشش تاجی

Koeleria caucasica و *Festuca ovina. tomentellus*. سطح ۹۵ درصد ایجاد شده است، لیکن تغییرات در پوشش تاجی گونه‌های *Astragalus*، *Agropyron trichophorum*، *Thymus kotschyanus* و *Onobrychis cornuta. aureus*. از لحاظ آماری معنی دار نبوده است.

پوشش خاک

روند تغییرات پوشش خاک برآیند پوشش تاجی کل، پوشش لاشبرگ و پوشش‌های سنگ و سنگریزه می‌باشد؛ براساس آنالیز داده‌ها، میزان پوشش خاک این سایت مطالعاتی در سال‌های ۸۹ و ۹۱ بطور معنی دار نسبت به سال‌های ۸۸ و ۹۰ کاهش نشان می‌دهد، با توجه به عدم وجود تغییرات معنی‌دار در پوشش تاجی کل و نیز ثبات میزان پوشش‌های سنگ و سنگریزه خاک در سال‌های مختلف، این تفاوت‌ها عمدتاً مربوط به تغییرات در میزان لاشبرگ می‌باشد.

رطوبت خاک

تغییرات رطوبت خاک در بین سال‌های مورد مطالعه مربوط به عمق ۱ (لایه سطحی ۰-۱۵ سانتیمتر) غیر معنی‌دار، در عمق ۲ (لایه ۱۵-۳۰ سانتیمتر) در سطح ۹۵ درصد معنی‌دار و نیز تغییرات میانگین رطوبت عمق‌های مختلف در سطح ۹۹ درصد معنی‌دار شده است، درصد رطوبت ثبت شده مربوط به عمق ۲ برای سال ۸۸ بیشترین و برای سال ۹۱ کمترین بوده است، رطوبت نسبتاً زیاد در عمق ۲ خاک برای سال ۸۸ به دلیل بارندگی فراوان (۷۴ میلیمتر) در خرداد ماه این سال است که منجر به نفوذ رطوبت حاصل از آن به لایه سطحی دوم خاک گردیده است.

کربن آلی خاک

با توجه به اینکه فرایند تجزیه لاشبرگ و آزاد شدن کربن آلی در خاک به کندی صورت می‌گیرد، مقادیر کربن آلی خاک در سال ۸۸ نشأت گرفته از پوشش لاشبرگ در چندین سال قبل می‌باشد (سال‌های قبل از مطالعه). در خلال چهار سال مطالعه (۸۸ تا ۹۱)، مقدار تغییرات کربن

تاجی فورب‌های چند ساله به ترتیب مربوط به سال‌های ۸۸ و ۸۹ بوده است، با توجه به مقادیر بارندگی سالیانه و بارندگی در فصل بهار (جدول ۱) تغییرات پوشش فورب‌ها، برخلاف انتظار، از الگوی تغییرات بارندگی سالیانه و یا بارندگی فصل رویش تبعیت نمی‌کند، در واقع از آنجا که اغلب گونه‌های فورب این منطقه خوشخوراک تر از سایر گونه‌ها می‌باشند، به محض ورود دام به مرتع در اولویت اول چرا قرار می‌گیرند.

پوشش یکساله‌ها

پوشش گونه‌های یکساله (مجموعه فورب‌های یکساله و گندمیان یکساله) تابع تغییرات بارندگی بهاره است، تغییرات سال به سال مربوط به مقدار پوشش تاجی یکساله‌ها در سطح ۹۹ درصد معنی‌دار شده است، گیاهان یکساله این رویشگاه در یک دوره رشد کوتاه با بهره‌گیری از بارش‌های اردیبهشت و خردادماه و جذب رطوبت از لایه سطحی خاک، به حداکثر رشد رویشی خود رسیدند و پس از بذردهی نمود ظاهری آنها کاهش یافت.

پوشش تاجی کل

تغییرات سالانه یا چند ساله در پوشش تاجی مجموعه کل گونه‌ها تابع تغییراتی است که در سال‌های مختلف در پوشش تاجی گروه‌های گیاهی همچون بوته‌ای‌ها، گندمیان چند ساله، فورب‌های چندساله، و یکساله‌ها رخ داده است هر چند در برخی گروه‌های گیاهی بین سال‌ها اختلاف معنی داری در تغییرات پوشش تاجی وجود داشت، لیکن در پوشش تاجی کل تغییرات معنی داری رخ نداده است (جدول ۱).

پوشش گونه‌های اصلی

تغییرات پوشش تاجی هر یک از گونه‌هایی مرتعی که در این سایت مطالعاتی نمود ظاهری بیشتری نسبت به سایر گونه‌ها دارند مورد آزمایش تجزیه واریانس قرار گرفت، نتایج نشان داد که در سال‌های مطالعه تغییرات معنی‌دار در میزان پوشش تاجی گونه‌های *Bromus*، *Agropyron cristatum*.

آلی لایه سطحی خاک (۱۰ سانتی متر) بسیار ناچیز بوده است، که این خود بطئی بودن فرایند تجزیه لاشبرگ را نشان می دهد، در واقع، هماهنگ با معنی دار نبودن تغییرات پوشش تاجی کل، از حیث کربن آلی خاک هم اختلاف معنی داری بین سال های مطالعه ایجاد نشده است، بنابر این، لحاظ نمودن معیار کربن آلی خاک برای تعیین تغییرات در وضعیت مرتع مستلزم پایش مداوم وضعیت ترسیب کربن در دوره های طولانی تر می باشد.

بحث و نتیجه گیری

پایش مراتع نمونه از منطقه نیمه خشک سرد بخش جنوبی استان اردبیل (آق داغ خلخال) که در رویشگاه نیمه استپی سرد، یک علف-بوته زار می باشد بیانگر آن است که طی سالیان مطالعه تغییرات قابل توجه در پوشش تاجی مجموعه گندمیان چندساله رخ نداده است. در این رویشگاه، گونه های گندمی اصلی که عمدتاً جزو گندمیان فصل سرد محسوب می گردند از جمله گونه های *Festuca ovina*، *Bromus tomentellus* و *Koeleria caucasica* متناسب با زمان وقوع بارش به پارامترهای جوی از قبیل درجه حرارت و بارندگی (مقدار و پراکنش آنها) به طور مستقیم واکنش نشان داده و نوساناتی را ایجاد می نمایند. در تمام سال های مطالعه به دلیل بارندگی فراوان در فصل رویش، رطوبت کافی در دسترس گونه های گندمی این مرتع بوده است. با توجه به مقادیر بارندگی سالیانه و بارندگی در فصل بهار، (جدول ۱)، تغییرات پوشش فوربها، برخلاف انتظار، از الگوی تغییرات بارندگی سالیانه و یا بارندگی فصل رویش تبعیت نمی کند به طوری که نتایج مقایسه میانگین پوشش تاجی نشان می دهد در ۸۸ اختلاف معنی داری با سال های دیگر داشت و پوشش تاجی بیشتر بوده است (جدول ۲)، در حالی که بارندگی فصل رویش کمتر از سال های دیگر بود. در واقع از آنجا که اغلب گونه های فورب این منطقه خوشخوراک تر از سایر گونه ها می باشند، به محض ورود دام به مرتع در اولویت اول چرا قرار می گیرند. با توجه به اینکه دامی محیط این اکوسیستم مرتعی در اوایل فصل رویش کمتر از دامی مورد نیاز است (زیر ۵ درجه سانتی گراد) و رشد گیاهان کند می باشد و از طرفی بارش های اواسط بهار همراه با افزایش نسبی دما می باشند، در نتیجه بخش اصلی

رشد رویشی اغلب گیاهان (به ویژه گونه های علفی) از اواسط اردیبهشت ماه تا هفته سوم خرداد ماه صورت می گیرد، بنابراین چرای زود هنگام دام سبب ایجاد اختلال در روند رشد و ایجاد پوشش تاجی گونه های گندمی و فوربها می گردد. مشابه با نتایج به دست آمده در نتایج مطالعاتی که در شمال آفریقا انجام شده است نیز نشان داد که چرای کنترل نشده باعث حذف یا کاهش شدید تراکم بسیاری از گونه های مرتعی مرغوب و خوشخوراک و جایگزینی آنها با گونه های نامطلوب می گردد (۱۲ و ۱۳). واکنش مجموعه گونه های بوته ای به تغییرات بارندگی های فصلی و سالانه کند است، بدین معنی که این گروه از گیاهان علاوه بر استفاده از بارش ها در زمان نزول آنها، با به کارگیری ریشه های عمیق خود از رطوبت ذخیره شده در عمق خاک نیز در طول سال بهره مند می شوند. در واقع، ذخیره رطوبتی خاک این مرتع (با بافت لومی شنی تا لومی) نوسانات بارندگی را برای گونه های بوته ای جبران می نماید، به طوری که در طول سال، امکان دسترسی بوته ای ها به رطوبت مورد نیاز فراهم می گردد. در این خصوص شریفی و اکبرزاده (۲۰۱۳) با بررسی تغییرات پوشش گیاهی مراتع نیمه استپی استان اردبیل و زادبر و همکاران (۲۰۱۱) با بررسی مراتع منطقه نیمه استپی استان خراسان دریافتند که تغییرات در پوشش تاجی گونه های بوته ای خشبی بطئی و ملایم بوده و تحت تاثیر بارندگی سالانه است. که با نتایج به دست آمده در این تحقیق مطابقت دارد. گونه های یکساله تغییر پذیرترین فرم رویشی آن منطقه بوده است. میزان حضور یکساله ها به شدت تابع نوسانات بارندگی بهاره است، به نحوی که با افزایش بارش های بهاره و هماهنگ با دمای مناسب، گونه های یکساله به سرعت تکثیر یافته و با شروع فصل گرم از بین می روند. افزایش پوشش یکساله ها در این گونه مراتع یکی از نشانه های گرایش پسرونده (منفی) و کاهش تعداد آنها و افزایش گیاهان شاخص چند ساله، یکی از نشانه های گرایش پیشرونده (مثبت) محسوب می گردد. در بررسی های سالانه مربوط به پویایی پوشش گیاهی، لازم است که متناسب با شرایط اقلیمی همان سال، زمان مناسب برای جمع آوری داده ها با دقت بیشتری تعیین شود، در سایت آق داغ خلخال، میزان فراوانی گونه ها در طول سال های مطالعه (۸۸ تا ۹۱) سیر کاهشی یا افزایشی

نداشت، بلکه مقدار آن در نوسان بود، یعنی می توان گفت گرایش مرتع وضعیت نسبتاً ثابتی داشتند. مطابق با نتایج به دست آمده بریتا و همکاران^۱ (۲۰۱۰) به این نتیجه رسیدند که دو فاکتور اصلی کنترل کننده عکس العمل گیاهان به تغییر اقلیم، تغییر در میزان آب قابل دسترس و تغییر در تخصیص آب به یک نوع گیاه خاص می باشد، به طوری که با تغییر الگوی بارش، افزایش دما و بالا رفتن میزان دی اکسید کربن، با کاهش رقابت گندمیان، شرایط به نفع افزایش گونه های فرصت طلب دیگر گرده است (۶).

زادآوری گونه های گندمی در حد متوسط تا زیاد، و زادآوری سایر گونه ها در حد متوسط بود. طی این سال ها، میزان شادابی و چگونگی گیاهان این مرتع مورد توجه قرار گرفت اما تغییر محسوسی در سرسبزی، خرمی و شکل ظاهری آنها مشاهده نگردید. تغییرات بطئی و بسیار کند کربن آلی خاک به عنوان معیاری از ترسیب کربن در سایت مورد مطالعه، بیانگر آن است که شرایط مدیریتی حاکم بر مرتع و احتمالاً چرای بیش از ظرفیت در سال های قبل، مانع از افزایش معنی دار میزان ماده آلی خاک این رویشگاه در طول سال های مطالعه گردیده است. از طرفی به دلیل سرما و برودت هوا، تجزیه لاشبرگ در شرایط منطقه مطالعاتی از فرآیندی کند برخوردار است. بدیهی است در چنین شرایطی مقدار تغییرات کربن آلی قابل ملاحظه نبوده و نمی تواند در دوره های زمانی کوتاه مدت به عنوان یکی از شاخص ها در سنجش وضعیت و یا گرایش اکوسیستم مرتعی به کار گرفته شود. تاخیر در توالی پوشش گیاهی مراتع در مناطق خشک و نیمه خشک را والون و همکاران^۲ (۲۰۰۲) چنین بیان می کنند که ترکیبی از قرق، حیوانات چرا کننده و فرآیندهای اقلیمی نادر مانند ترسالی می توانند نرخ توالی را بعد از یک دوره تاخیر به شدت. بررسی های مربوط به فرسایش خاک هم ناچیز بودن فرسایش در این مرتع را

نشان داد، که دلیل آن را می توان حضور قابل ملاحظه و غلبه گونه های مرتعی از نوع گندمیان چند ساله همراه با گونه های بالشتکی همچون *Onobrychis cornuta* با پوشش تاجی وسیع و تراکم نسبتاً بالا، گونه های بوته ای دیگر مانند *Astragalus aureus* و گونه های نیمه خشبی همچون *Thymus kotschyanus* و تناسب بین شدت و وضعیت مرتع قلمداد کرد، البته به دلیل سرمای زود رس و برودت هوا دامداران نمی توانند بیشتر در مرتع بمانند. لهورو^۳ (۱۹۸۱) در تحقیقی در این خصوص تأکید نمود که فشار چرای دام علاوه بر تحت تأثیر قرار دادن تنوع گیاهی، باعث بروز تغییرات شدید فیزیکی در مرتع و تشدید فرسایش خاک می گردد که این به نوبه خود شرایط را برای رویش گیاهان مرغوب از بین می برد. بدین طریق ناچیز بودن فرسایش خاک تناسب دام و مرتع را تصدیق می کند. در نتیجه گیری کلی می توان گفت، نتایج بررسی پویایی پوشش گیاهی در سایت بیانگر آن است که اساساً تغییرات پوشش تاجی کل تحت تأثیر پارامترهای اقلیمی منبعت از تغییرات ایجاد شده در این پوشش تاجی گونه های اصلی از قبیل *Festuca ovina*، *Bromus tomentellus*، *Koeleria caucasica* و *Onobrychis cornuta* می باشند؛ دیگر اینکه، در شرایط مدیریتی یکسان در این مرتع، روند تغییرات پوشش تاجی گروه های مختلف گیاهی این اکوسیستم مرتعی بنحوی بوده است که برآیند آنها منجر به ثبات پوشش تاجی کل گیاهان در طول چهار سال مطالعه گردیده است، ثبات موجود در پوشش گیاهی احتمالاً نتیجه ثبات مدیریت چرای دام در این مرتع می باشد، البته گفتنی است که ثبات در پوشش گیاهی و ثبات در مدیریت چرای دام در مرتع لزوماً به معنی صحیح بودن روش مدیریت جاری آن مرتع نمی باشد.

³ - Le Houerou

¹ -Britta

² - Valone

References

1. Akbarzadeh, M., M. R. Moghadam., A. Jalili., M. Jafari & H. Arzani, 2007. Vegetation dynamic study of Kuhrang enclosure, Iranian Journal of Range and Desert Research, 13 (4): 324-336. (In Persian)
2. Asadian, Gh., S.A. Javadi., M. Jafari., H. Arzani & M. Akbarzadeh, 2017. Relationships between Environmental Factors and Plant Communities in Enclosure Rangelands (Case study: Gonbad, Hamadan), Iranian Journal Rangeland Science, 7(1) :20-34.
3. Abtahi, S. M., A.A. Shahmoradi & E. Zandi Esfahan, 2014. Investigation of vegetation dynamics and range conditions in central desert of Iran (Case study: Haftooman, Koor and Biabanak), Iranian Journal Rangeland Science, 4(4):330-339.
4. Borhani, M., H. Arzani., Z. Jaberlansar., M. Azimi & M. Farahpur, 2010. Study the changes in condition steppe rangelands of Isfahan province in the during a period of eight years. Iranian Journal of Range and Desert Reseach, 17(1): 1-20. (In Persian)
5. Briske, D. D., S. D. Fuhlendruf & F.E. Smeins, 2003. Vegetation dynamics on rangelands: a critique of the current paradigms. Journal of Applied Ecology, (40): 601-614.
6. Britta, T., J. Florin., Z. Erwin., C. Nikolau., G. Alexander., S. Katja & O. Jens, 2010. Effects of climate change on the coupled dynamics of water and vegetation in drylands. Plant Ecology and Nature Conservation, University of Potsdam, 3, 226-237.
7. Bassiri, M. & M. Iravani, 2009. Vegetation change after 19 years of grazing enclosure in the central Zagros region. Journal of Iranian Range management Society, 3(2):155-170. (In Persian)
8. Ebrahimi, M., E. Mohadeseh Arab & M. Ajorloo, 2014. Effects of Enclosure on Ecological Indexes of Rangeland Health Using Landscape Function Analysis Method (Case Study: Jiroft Jbalbareh Rangeland), Journal of Iranian Range management Society, 8(3): 261-271. (In Persian)
9. Kargar, M., Z. Jafarian., J. Bahreiny & G.H. Alinezhad, 2014. The effects of grazing on structural and functional characteristics of ecological patches in rangeland ecosystems, Journal of Iranian Range management Society, 8(1): 85-94. (In Persian)
10. Kashki, M. T., A.A. Sahmoradi., M. Mohamadi & T. Namdost, 2012. The Final report of the research project, Vegetation dynamics in Khorasan rangeland ecosystems. Research Institute of forests and Rangelands, 79 p. (In Persian)
11. Khaksarzadeh, V., M. Jankjuo & A. Lakziyan, 2016. Effects of livestock grazing and canopy of rangeland shrubs on the symbiosis between mycorrhiza and *Bromus kopetdaghensis*, Journal of Iranian Range management Society, 9 (4):344-352. (In Persian)
12. Le Houerou, H.N., 1981. Long-term dynamic in arid-land vegetatin and ecosystems of north Africa. In: goodall, D.W. Evena, M. (eds) IBP. Syntheses, 357-384. Cambridge University Press.
13. Le Houerou, H.N. & L. Boulos, 1991. Bioclimatic and phytographic characteristics of the arid rangelands of northern Africa and the Nearest. In: Proceedings of Fourth International Rangelands Congress. Montpellier, France, (1): 538-543.
14. Meteorological Organization Ardabil province, 2013. Weather data (2010- 2013) of Khalkhal Region. (In Persian)
15. Quevedo, D.I. & F. Frances, 2008. A conceptual dynamic vegetation-soil model for arid and semiarid zones. Hydrology and Earth System Sciences, (12): 1175-1187.
16. Shahmoradi, A.A., 2007. Instructions national project for the study of vegetation dynamics in rangeland ecosystems, Research Institute of forests and Rangelands, 30 p. (In Persian)
17. Sharifi, J., & M. Akbarzadeh, 2008. The Final report of the research project, surveying effect of enclosure on condition and trend of native rangelands Ardabil province, Project report, Research Institute of Forests and Rangelands publications, 120 p. (In Persian).
18. Sharifi, J. & M. Akbarzadeh, 2013. Investigation of vegetation changes under precipitation in semi-steppic rangelands of Ardebil province (Case study: Arshagh Rangeland Research Site), Iranian Journal of Natural Resources, 65(4): 507-516. (In Persian)
19. Tahmasebi Kohyani, P. & Y. Askari, 2013. Shifting mosaics in semi-steppe rangelands driven by interactive effect of human made disturbances. International Journal of Advanced Biological and Biomedical Research, 1(9): 1101-1111.
20. Valone, T. J., M. Meyer., J. H. Brown, & R.M. Chew, 2002. Timescale of perennial grass recovery in desertified arid grasslands following livestock removal, Conservation Biology, 16(4): 995-1002.
21. Zadbar, M., H. Arzani., M.S. Azimi., V.A. Mozafarian & Gh.A. Shad, 2011. Rangeland monitoring in the North East of Iran, Iranian journal of Range and Desert Reseach, 18(2):231-243. (In Persian)